

آموزش شهروندی و رویکرد محله محوری: نقش نهادها و ارکان محله‌ای در آموزش شهروندی

مصطفی حسین‌آبادی */ علی‌اکبر تقوایی **

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۷/۰۸/۲۰

۱۳۸۷/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده:

کشور ایران با دارا بودن سابقه هفت‌هزار ساله شهرنشینی از پیشینه درخشانی در این زمینه برخوردار است، اما هم‌زمان با این امر، شهروندی و مفهوم آن در بستر زمان درکشور ما پیشرفت مناسبی نداشته است. بسیاری از شهرنشینان با اینکه در حوزه جغرافیایی شهر ساکن هستند از حقوق و تکالیف خود بی‌اطلاع هستند. اکنون باید این سوال را مطرح کرد که برای تسهیل فرایند تبدیل شهرنشینان به شهروندانی مشارکت‌جو و فعال در عرصه عمومی که به حقوق خود واقف باشند چه باید کرد؟ همانگونه که هر هنر و مهارتی نیاز به تمرین و ممارست دارد شهروند شدن نیز مانند بسیاری از مفاهیم و صورت‌های دست‌ساخته بشر نیاز به یادگیری و آموزش و سپس تمرین دارد.

رویکرد محله محوری در واقع سپردن بخشی از امور به نهادهای محله‌ای است. در تاریخ شهرنشینی محله همواره به عنوان عنصر تنظیم روابط شهروندی نقشی فعال و موفق داشته است. در این مقاله سعی شده است ضمن بیان مفاهیم شهروندی و اهمیت آموزش آن، نقش هر یک از نهادها و ارکان محله‌ای در آموزش صحیح شهروندی بیان گردد.

مقدمه و فرض تحقیق

با شکل گیری جامعه مدنی در عصر حاضر شهروند موقعیتی برتر و متفاوت از ساکن شهر یافته، او کسی است که در تصمیم گیریها آگاهانه و داوطلبانه شرکت می‌کند. شهروندی در دنیای امروز با مفاهیمی عجین گشته که به راحتی و بی‌تفاوت نمی‌توان از کنار آن گذشت. جهانی شدن، دهکده جهانی، گسترش

لحظه‌ای اطلاعات و دنیای اطلاع رسانی، حقوق بشر، گفتگوی تمدنها، محیط زیست و ... همه و همه بار مسئولیت‌ها و حقوق نهفته در آداب و مهارت‌های شهروندی را فزونی بخشدیده است. شهروندان آگاه به وظیفه و آشنا به حقوق خود می‌توانند مشارکتی خردمندانه و تأثیرگذار را در فضای اجتماع ایجاد کنند و تحولاتی را در عرصه زندگی جتمعی، فرهنگی،

* دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

** استادیار گروه شهرسازی و عضوهای علمی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تهران و معاون پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس.

جامعه مدنی و تلاش برای احیای همبستگی نیست، بلکه وسیله‌ای برای پیشبرد نوسازی اجتماعی و کالبدی محله‌ها و شهرها و مناطق مهم شهری محسوب می‌شود. در واقع احیای جامعه مدنی و تأمین دموکراسی بدون احیای اجتماعات محلی، محافظت از حوزه محلی و تأمین مشارکت محلی امکان پذیر نخواهد بود.

شهروند و حقوق شهروندی

یک شهروند، عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است که ضمن آگاهی از حقوق خود و اجد تووانایی انتقاد، مباحثه و مشارکت باشد و وظایف خویش در قبال حقوق شهروندی را نیز بشناسد و به انجام برساند. شهروند^۲ «فردي است در یک رابطه متقابل با دولت، که از سویی دارای حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر، در برابر دولت وظایفی به عهده دارد» (امین، ۱۳۷۹، ص ۲۲۱). آنتونی گیدنز تعریف دیگری از شهروندی دارد که می‌گوید؛ «شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است، که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است» (گیدنز، ۱۳۶۷، ص ۷۹۵).

اگر چه ملیت را اغلب به معنای شهروندی بکار می‌برند، لیکن ملیت معنای وسیعتری از شهروندی دارد. ملیت نیز به معنای رابطه داشتن با یک دولت اما نه به معنای داشتن حقوق سیاسی در داخل، بلکه به معنای برخورداری از مزیت حمایت دولت در خارج از کشور است. همچنین، شهروندی را با اقامت دائمی و شهروند را با مقیم نباید اشتباه کرد. کسی، چه بسا شهروند کشوری باشد، بی‌آنکه در آن کشور اقامت داشته باشد یا مقیم کشوری باشد، بی‌آنکه

اسیاسی و فردی خود رقم زنند که پایه های توسعه پایدار را تقویت نماید. شهروندانی که فاقد چنین اطلاعاتی هستند و به وظایف و حقوق مدنی و اجتماعی خود آگاهی لازم را ندارند نه می‌توانند مشکلات خود را حل کنند و نه قادرند که باری از دولت بردارند، بر این اساس انتظار می‌رود که هر جامعه‌ای حداقل امکانات و وسائل را به منظور آموزش شهروندان خود فراهم آورد و آنان را به وظایف و مسئولیت‌های خود آشنا کند.

با شکل‌گیری جامعه مدنی در عصر حاضر شهروند موقعیتی برتر و متفاوت از ساکن شهر یافته، او کسی است که در تصمیم‌گیری‌ها آگاهانه و داوطلبانه شرکت می‌کند

سؤالی که در این مقاله باید پاسخ داده شود این است که از رویکرد محله محوری چگونه می‌توان در جهت آموزش شهروندان و آگاه ساختن آنها نسبت به حقوق و تکالیف‌شان بهره جست؟ وظایفی که برای هر یک از نهادهای محله‌ای می‌توان در نظر گرفت چه مواردی هستند و مشارکت محله‌ای شهروندان در تحقق آموزش شهروندی چه نقشی دارد؟

امروزه موضوع اجتماعات محلی و نحوه ساماندهی آنها جایگاه مهمی در جامعه‌شناسی شهری و به تبع آن شهرسازی و مدیریت شهری پیدا کرده است. صاحبظران براین عقیده‌اند که اجتماعات محلی و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. به نظر آنتونی گیدنز^۱ موضوع اجتماع محلی صرفاً شعاری انتزاعی در

ضرورت آموزش شهروندی^۳

شهروندان از حقوقی برخوردار هستند ولی لزوماً از آن اطلاع ندارند. در حقیقت در آموزش شهروندی، ما شهروندان را از حقوق و آزادی‌هایی که دارند، مطلع می‌کنیم. همان‌طور که ممکن است آنان را نسبت به حقوق و آزادی‌های دیگران آگاه کنیم و در مرحله سوم، شهروندان را به اقدام عملی در جهت تحقق حقوق و آزادی‌های خود و دیگران تشویق می‌کنیم.

آموزش حقوق و تکالیف شهروندان برای مدیریت شهری یک اهتمام بلندمدت و بسیار وقفه محسوب می‌شود. که در این عرصه مردم از طریق نهادهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌های عمومی با حقوق خود در عرصه‌های شهر و اجتماع آشنا می‌گردند و به موازات آن مسئولیت‌های خویش را نیز خواهند شناخت. آموزش شهروندی موضوعاتی چون شهروند و امکانات عمومی، حقوق شهروندی، شهروند و مردم، مشارکت اجتماعی، محیط زیست، شهر شاداب، ترافیک، زیباسازی شهر، بهداشت شهری، پرداخت عوارض و اینمنی، آمادگی شهری، گردشگری و غیره را دربر می‌گیرد. هر چند آموزش این موضوعات هزینه‌ای را بر ما تحمیل می‌کند، اما هزینه آموزش شهروندان به مراتب کمتر از هزینه‌ای است که شهروندان و مدیران شهری آموزش ندیده بر پیکره شهر وارد می‌کنند. آموزش شهروندی بطور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی و یا بطور رسمی بصورت سرفصل درسی مجرزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی و یا بصورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می‌آموزد که چگونه یک شهروند فعل، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشند. در واقع بنای این آموزش‌ها پرورش یک شهروند

شهروند آن محسوب گردد. از نظر قانون مدنی ایران، اشخاصی که تابعیت ایرانی را تحصیل می‌کنند، شهروند ایرانی محسوب می‌شوند و از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به برخی مقامات من جمله ریاست جمهوری و قوه قضائیه، وزارت، استانداری، فرمانداری، قضاوت، نمایندگی مجلس و شوراهای اسلامی شهر و ... نائل گردند.

یک شهروند، عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است که ضمن آگاهی از حقوق خود واجد توانایی انتقاد، مباحثه و مشارکت باشد و وظایف خویش در قبال حقوق شهروندی را نیز بشناسد و به انجام برساند

حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. بنابراین، این واژه اعم از حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی است. مفهوم شهروندی حاوی یک تضاد است، بدان معنا که این مفهوم علاوه بر حقوق، دربردارنده وظایف و تعهدات نیز می‌باشد. جذابت شهری‌ندی صرفاً به خاطر منافعی نیست که به فرد می‌رساند. این ایده نمی‌تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد به دیگران رها کند (بشریه، ۱۳۸۰).

انجمن‌های ایالتی و ولایتی که مفصل‌تر از قانون اساسی است، چون الحاقیه‌ای به قانون اساسی اضافه می‌شود تا شهروندی جایگاه مناسب خود را بیابد.

اساسی‌ترین و آشکارترین قوانین شهروندی در جامعه ایران، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در انواع مختلف آن، حفظ محیط‌زیست، ایجاد فضا و محله سالم، پیشگیری از هرگونه آلودگی از نوع محیطی و صوتی، مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است

تا قبل از این در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می‌دیدند. اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوق‌دانان و مجتمع قانونی و حقوقی دید جامعتری یافت. در سال ۱۳۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستور کار واحدها گردید. رئوس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود (بخشنامه حقوق شهروندی؛ قوه قضائیه).

اساسی‌ترین و آشکارترین قوانین شهروندی در جامعه ایران، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در انواع مختلف آن، حفظ محیط‌زیست، ایجاد فضا و محله سالم، پیشگیری از

نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست، بلکه به آنان می‌آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند.

همچنین برای اینکه دولت‌ها بتوانند به نحو موثری و ظایف خود را انجام دهند شهروندان باید به بسیاری از قوانین و مقررات، از جمله قوانین مربوط به پرداخت مالیات‌ها و تعهداتی چون انجام خدمت وظیفه و قوانین مربوط به حفظ اموال عمومی، رعایت بهداشت، مقابله با حوادث و بسیاری از حقوق اجتماعی دیگر و مسائل مربوط به آن آشنایی داشته باشند. اهداف ویژه آموزش شهروندی:

- کسب هویت فردی، ملی و جهانی
- افزایش نظم اجتماعی و انضباط اخلاقی
- افزایش روحیه مشارکت
- کاهش ناهنجاری اجتماعی
- وجود آگاهی کافی درباره ضروریات زندگی شهر نشینی
- توسعه روابط رسمی و غیر رسمی مردم با مجموعه مدیریت شهری
- کمک به حل مشکلات شهری و تلاش برای بهتر زیستن
- بهسازی اجتماعی و ایجاد شهری سالم

شهروندی در ایران

با انقلاب مشروطیت، بحث حقوق شهروندی آن هم بدون عنایت به مسئولیت‌ها و وظایف آن و بدون آموزش همگانی مطرح گردید. انجمن‌های تشکیل شده در دوران مبارزات مشروطیت، نماد حکومت محلی و دخالت مردم بر سرنوشت خود تلقی شده و قانون

هرگونه آلودگی از نوع محیطی و صوتی، مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است که باید با ایجاد زمینه‌های فرهنگی جدید و دقت لازم در اجرای قوانین، بنیاد قوانین شهروندی را هرچه بیشتر تقویت و آن را برای دهه‌های آینده نهادنی کنیم. یکی از روش‌هایی که می‌تواند نسخه ایرانی شهروند مداری را تجلی بخشد ایجاد احساس توطن و تعلق به مکان و محیط زندگی است، احساسی که در شهرهای امروزی با اصل قرار گرفتن معیارهای مادی زندگی به شدت مخدوش و حتی مضمحل گردیده است.

رویکرد محله محوری و آموزش

شهروندی

به نظر ایستوارت^۴ مهم ترین وظیفه مقامات محلی و حکومت‌های محلی برای تقویت و بهبود اجتماع محلی و حکومت‌های محلی کارامد و موثر «شهروندی سازی»^۵ است. شهروندسازی یعنی فراهم کردن امکانات، تسهیلات و سازوکاهای لازم برای شهروندان تا آنها از حقوق شهروندی شان بهره مند گردند و بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی خود را در قبال جامعه محلی که در آن زندگی می‌کنند انجام دهند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰).

تمرکز زدایی و محلی‌گرایی در واقع سپردن امور محلی به واحدهای کوچکتر و مردم است که باعث ایجاد واحد محلی در نظام مدیریت و اداره امور شهرها می‌شود. محله بخشی از تقسیم‌بندی کالبدی، فرهنگی شهر با حوزه یا فضای جغرافیایی مشخص، وابستگی‌ها، علاقه‌ها، احساسات، تعلق اجتماعی، روابط همسایگی و الگوی مشترک زندگی است که در استیلای سلسله مراتب فضای شهر دارد. محلات معمولاً دارای

همگونی‌اند که بر ویژگیهای قومی، نوع مسکن، ارزش‌های اقتصادی و یا ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی این واحدها دلالت دارد که با دگرگون شدن این متغیرها تمایز میان محلات آشکار می‌گردد. در شهرسازی و شهرنشینی دوران جدید، به دلیل تسلط اقتصاد صنعتی و وسائل حمل و نقل ماشینی و گسترش وسیع ابعاد کالبدی شهر، مقیاسهای انسانی تا حدود زیادی اعتبار خود را از دست داده است. در واقع با پیدایش اتومبیل، مفهوم محله که اساس شکل گیری طبیعی شهرهای قدیم بود، در هم ریخته است چرا که ذات محله با تجمع اشتراک و روحیه جمعی عجین است، در حالی که اتومبیل طالب جدایی، انفصل و استقلال است در نتیجه نظام محله بندی با آشتفتگی و عوارض نا مطلوب روبرو شد.

محله بخشی از تقسیم‌بندی کالبدی، فرهنگی شهر با حوزه یا فضای جغرافیایی مشخص، وابستگی‌ها، علاقه‌ها، احساسات، تعلق اجتماعی، روابط همسایگی و الگوی مشترک زندگی است که در استیلای سلسله مراتب فضای شهر دارد

تاكيد بر نقش محله و باهستان‌ها و ظهور برنامه‌ریزی محله مبنا به گونه‌ای دیگر و در راستای سیاست‌ها و خط مشی‌های پیشنهادی سازمان ملل نیز دنبال شده است؛ در دو میان همایش سکونتگاه‌های انسانی (هیئتات)^۶ که در سال ۱۹۹۶ در استانبول برگزار شد بر این نکته تاكيد شده است که جهان در حالی به قرن بیست و یکم وارد می‌شود که شهرها ابعاد گسترشده‌تری از نظر حجم فیزیکی و تنوع مسائل اجتماعی و اقتصادی پیدا کرده‌اند و این تحولات تمام

آموزش شهروندی در مدارس محله

گروههای قابل توجهی از نوجوانان و جوانان دانش آموز ایرانی دچار ضعفهای اساسی در هویت اجتماعی و مدنی و گرفتار نگرش های ضداجتماعی و خلافکاری و روحیه سرکشی هستند. در چنین وضعیتی، آموزش حقوق و مسئولیت های محلی و ملی و جهانی در جوانب گوناگون شهروندی در برنامه های درسی و فعالیت های کلاس و مدرسه و آموزش رفتار مبتنی بر تفکر درست، مسئولیت پذیری و تصمیم گیری اندیشمندانه ضرورت دارد. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه های درسی و فعالیت های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت های زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را نیز محور برنامه های آموزشی و تربیتی قرار دهد.

آموزش شهروندی محلی و ملی و جهانی به دانش آموزان، بخشی مهم از این برنامه هاست. در واقع آموزش مفاهیم شهروندی آن هم به طریق و شیوه ای غیرمستقیم و غیررسمی، پس از ورود فرد به جامعه، تمرین و مشقی است که کودکان، نوجوانان و جوانان امروز در آینده ای نه چندان دور در کسوت بزرگسالی و در نقوش گوناگون اجتماعی در جامعه ایفا خواهند نمود.

در کشورهای توسعه یافته مفاهیم شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می شود و دولت نیز آموزش های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می دهد. در انگلیس از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن بطور

کسانی که در رابطه با برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری دخیل بوده را به چالش فراخوانده است. آموزش شهروندی در محله ها سبب تحکیم روابط و آشنایی بیشتر ساکنان محله خواهد شد. مردم یک محله در بهبود کیفیت محیط محله شان و امنیت اساسی آن، دست به تشکیل نهادهای مشارکتی و اجتماعی می زنند. این نهادهای مشارکتی شورای محله، انجمنهای محلی، مدارس و مساجد را در بر می گیرد. در ادامه نقش هر یک از این نهادها و ارکان محله ای بیان خواهد شد.

نقش مسجد محله در آموزش شهروندی

نهادینه نمودن رفتارها و آداب شهروندی در افراد تنها از طریق آموزش رسمی و غیررسمی تأمین نمی شود، بلکه درک صحیح و درست ما از گذشته و میراث هویتی مان (ملی - دینی)، نیز می تواند در مداومت و استمرار فهم شهروندی و جایگاه آن، شمربخش و مفید فایده باشد. مسجد یکی از فضاهای عمومی است که نقش زیادی در ایجاد نظم عمومی و امنیت محله دارد و یک نهاد بسیار مناسب برای جلوگیری از بروز جرم و جنایت و ایجاد امنیت در سطح محله است. مسجد به عنوان فضایی با تنوع فعالیتها و محل برگزاری بسیاری از مراسم مذهبی - فرهنگی جشنها و اعیاد و تصمیمات مشارکتی مردم در زمینه اداره و کنترل محل، نقطه اتصال شهروند در اداره امور محله خود است. با برگزاری جلسات آموزش شهروندی در مساجد و پیوند مناسب بین مفهوم شهروندی و تعالیم دینی می توان از توان بالقوه آنها در این زمینه استفاده کرد. در مسجد می توان جایگاه حقوق و تکالیف شهروندی را در اسلام به شهروندان متذکر شد که این امر باعث خواهد شد آموزش ها تأثیر به مراتب بهتری داشته باشد.

رسمی در برنامه درسی مدارس از سال ۱۳۸۵ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش‌ها عموماً موارد ذیل است:

- آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی
- بحث و بررسی درباره سرفصلها و موضوعات مهم شهروندی
- فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیتهای اجتماعی^۷

انجمان‌ها و نهادهای محلی و آموزش

شهروندی

مفهومهایی که بسیاری از صاحب‌نظران بر آن تاکید داشته‌اند تقویت و اهمیت نقش سطوح محلی^۸ و حضور انجمان‌ها و نهادهای مدنی در عرصه تصمیم‌گیری با تاکید بر نقش شهروندان و مشارکت واقع آنها در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات روزمره است (حاجی پور، ۱۳۸۵). انجمان‌ها نهادهایی هستند که شهروندان در جوامع معاصر برای پیشبرد علائق و منافع مشترک خود تشکیل می‌دهند. همچنین حوزه‌های مذکور می‌باید در دسترس عموم مردم باشند و امکان حضور و مشارکت عامه در آنها موجود می‌باشد (بشریه، ۱۳۸۰، ص ۹۴) مستقل بوده و بدون اتكا به دولت اداره شوند، علاوه بر این سازماندهی درونی آنها نیز دموکراتیک باشد.

به کارگیری رویکرد محله گرایی بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنین در یک اجتماع محله‌ای و تقویت بسترهای و زمینه‌های هویت ساز محله‌ای است. نهادهای محلی، سازمان‌های غیردولتی (NGOs)^۹ و تشکلهای داوطلب محلی (CBOs)^{۱۰}، عناصر کلیدی این نوع نگرش است. بدون ایجاد این عناصر دستیابی به رویکرد فوق الذکر عملی نخواهد بود.

(حاجی پور، ۱۳۸۵). این گونه نهادهای مدنی سبب تمرکزدایی از تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی برنامه‌های مختلف می‌شوند و به دلیل اینکه گروه‌های مختلف مردم در مورد امور اظهار نظر تصمیم‌گیری و مشارکت دارند هم احتمال خطا کاهش می‌یابد و هم باری از دوش دولت و نهادهای عمومی دولتی برداشته می‌شود.

بر اساس تحقیقات به عمل آمده اعضای انجمان‌های محلی (مانند شورای محله) کمال سیاسی، اعتقاد اجتماعی، مشارکت و قابلیت مدنی ذهنی بیشتری از خود نشان می‌دهند. مشارکت در سازمان‌های مدنی مهارت‌های همکاری و نیز حس مسئولیت مشترک برای کوشش جمعی را در افراد ایجاد می‌کند. به علاوه وقتی افراد عضو گروه‌های مختلفی باشند که دارای اهداف و اعضای متفاوتی هستند طبیعتاً به واسطه تعامل و فشارهای متقاطع دیدگاه‌هایشان تعدیل می‌شود (اطاعت، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸).

مشارکت در سازمان‌های مدنی مهارت‌های همکاری و نیز حس مسئولیت مشترک برای کوشش جمعی را در افراد ایجاد می‌کند

کارهای گروهی و تصمیم‌گیریهای جمعی باعث می‌شود که افراد ضمانته‌گیری نحوه برخورد با مسائل، از طریق تصمیمات واقعی خود نظراتشان را به گوش مسئولان رسانده و با پیگیری‌هایشان به عنوان شهروند فعال، در سرنوشت جامعه خود مشارکت و تأثیر داشته باشند. مسئولان و مدیران شهری برای بهره‌مند شدن از نظرات شهروندان و

نهادهای محلی را بر عهده دارد و هیچ گونه تصمیم و سیاستی را از بالا دیکته نمی‌کند. چنانکه آزبرن و گبلر در همین رابطه به نقش سنتی دولت مبنی بر فراهم آوردن امکانات و میانجی گری بین مردم اشاره کرده و معتقدند که نقش دولت باید تعریف کننده مشکلات مردم و فرآهنم سازنده امکانات حل این مشکلات باشد، در تعریف آنها تاکید بیشتر بر تصمیم‌گیری به جای ارائه خدمات است، به عبارت دیگر دولت باید کمتر اجرا کند و بیشتر رهبری و هدایت کند (Osborne & Gaebler, 1993).

برای تحقق حقوق شهروندان با لحاظ نیازهای آنان، باید مردم در برنامه‌ها و تصمیمات متخذه برای شهر خود مشارکت داشته باشند. مشارکت یعنی مشارکت در خدمتگزاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت در کلیه برنامه‌های مورد نظر برای شهر، چرا که استفاده از مشارکت مردمی برابر است با رفع یا کاهش تنگناها و معضلات مدیریت شهری. استفاده از مشارکت شهروندی باعث صرف انرژی، زمان هزینه و امکانات کمتر و انجام کارهای بیشتر در شهر می‌شود. مداخله شهروندان در اداره امور باعث آشنایی مستقیم آنان با مسایل شهر شده و این خود منجر به تصحیح نظر و تصور مردم از مدیریت شهری می‌شود. مشارکت شهروندی باعث ایجاد حس اعتماد شهروندان نسبت به مدیران می‌شود و متقابلاً مدیران شهری نیز باید با ایجاد رابطه مستقیم با مردم این حس را تقویت کنند.

مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نتایج مثبتی را به دنبال خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: کاهش محدودیتها و مشکلات مدیریت شهری به خصوص شهرداری‌هایی که با

مشارکت آنان در امور محله و مناطق و منطق شهری باید به حمایت گسترشده برای تشکیل نهادهای مدنی در سطوح محله پرداخته و افراد را به عضویت در آن تشویق نموده، خدمات و آموزش‌های شهروندی ارزان قیمت را از طریق این گروهها که در محله‌های خود مورد اعتماد هستند به شهروندان هر محله ارائه دهند و از سوی دیگر از این نهادها به عنوان سازمانهای واسط بین مسئولان و شهروندان استفاده نمایند تا مردم به مشکلات و چالش‌های مسئولان نیز آگاه شده و ضمن تعديل خواسته‌های خود به رعایت حقوق شهروندی دیگران و احترام به آن بپردازند.

برنامه‌هایی که توسط انجمن‌های محلی در جهت تقویت و آموزش شهروندی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرد شامل موارد ذیل است:

۱- کشف نیروهای انسانی محلی و جلب اعتماد و مشارکت آنان در سطح محله و تمرکزدایی از تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد شیوه‌های تصمیم‌گیری شهروند مدار.

۲- برگزاری جلسات آموزشی پیرامون مهارتهای شهروندی.

۳- چاپ روزنامه‌های محلی با محوریت آموزش شهری با مشارکت شهروندان محله.

حقوق شهروندی و مشارکت مدنی در محله

مقوله مشارکت مردم در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی به طور عام از دهه ۱۸۵۰ به بعد و با تغییر در نقش دولتها و میزان دخالت آنها در برنامه‌ریزی به طور دائمی در حال تحول و دگرگونی بوده به گونه‌ای که در رویکردهای اخیر به مفهوم برنامه ریزی و مدیریت، دولت نقش هدایت، حمایت، مشورت و تشویق

کمبود یا فقدان نیروی متخصص و منابع مالی مواجه می‌باشند، چرا که جلب مشارکت مردم باعث رفع بخشی از نیاز مدیریت شهری به منابع انسانی و مالی می‌شود. صرفه جویی در هزینه‌ها و کاهش صرف انرژی، بدین معنی که با استفاده از مشارکت شهروندان این امکان فراهم شود که با صرف انرژی، هزینه و امکانات کمتر اقدامات بسیاری را در شهر انجام داد. مشارکت شهروندان در اداره شهر باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی و نیز افزایش حس تعلق آنان به شهر می‌شود. انجمن‌های شهری و شوراهای شهری که در حال حاضر در سطح شهر، ناحیه و محلات شکل گرفته‌اند از گرینه‌های بسیار مناسب برای مشارکت شهروندان در اداره امور و نظم و امنیت عمومی و نظارت بر واقایع شهر و محله خود می‌باشد.

پی‌نوشت

- 1- Antonio Gidenz
- 2- Citizen
- 3- Education citizenship
- 4- John Stuart Mill
- 5- To build citizenship
- 6- Habitat
- 7- Citizenship education in U.K
- 8- Local Level
- 9- Non-Governmental Organizations
- 10- Community-Based Organizations

نتیجه‌گیری

آموزش فرهنگ شهروندی در هزاره سوم چهره دیگری یافته و پیشرفت‌های جهانی درک جدیدی از شهروندی را الزامی ساخته است. برای همگام شدن با این پیشرفت‌ها شهروندان باید دانش و مهارت‌های لازم را برای شهروندی مفید و موثر بودن در جامعه جهانی کسب نمایند. آموزش شهروندی به افراد کمک می‌کند تا شناخت شفاف و درستی از نقش خود در جوامع کسب نمایند و درک کنند که چگونه زندگی آنها در جوامع فرهنگی شان تأثیر گذار است. اجتماعات محلی و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. به کارگیری رویکرد محله گرایی در آموزش شهروندی بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنین در یک

منابع و مأخذ

- ۱- امین، سیدحسن، حقوق بشر و کثرت گرایی دینی، ترفندها، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲- نجاتی حسینی، محمود، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵، بهار ۱۳۸۰.

- ۱۵-** صرافی، مظفر، اسماعیل زاده، حسن، شهروند
مداری: راهکارهایی برای حل مسائل شهری ایران، مجله
ماهیانه اطلاعات سیاسی - اقتصادی (۲۱۷-۲۱۸).
- ۱۶-** آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی؛ {ویرایش
۲}، مروارید، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۷-** Bullen, P. & Onyx, J. (1999),
"Social Capital", Family Support Services
and Neighborhood and Community Centres
in New South Wales, in website
<http://www.mapl.com.au>
- ۱۸-** Osborne, David & Gaebler, Ted
(1993), "Reinventing Government-How the
Entrepreneurial Spirit is Transforming the
Public Sector", Plume, Penguin Books,
USA
- ۱۹-** Appelbaum, Steven &
Bartolomucci, Nicolas & Beaumier, Erika
& Boulanger, Jonathan & Corrigan,
Rodney & Dore, Isabelle & Girard,
Chrystine & Serroni, Carlo "organizational
citizenship behavior: a case study of
culture , leadership and trust " management
decision, VoL42,PP(13-40),2004
- ۲۰-** <http://www.citizenshipfoundation.org.uk/main/page.php>
- ۲۱-** Lynn A. Staeheli,Citizenship and
the problem of community,Institute of
Geography, University of Edinburgh,
Drummond Street, Edinburgh EH8
9XP,Scotland, United Kingdom
- ۳-** گیدنز، آنتونی، راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی،
ترجمه منوچهر محمدی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۴-** نژادپرها، زهرا، مجموعه مقالات همایش «نظرارت
همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»، شهرداری تهران و
دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸۶.
- ۵-** حبیبی، سید محسن، هنرهای زیبا، شماره ۱۳
دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۶-** بشريه، حسين، درس‌های دموکراسی برای همه:
انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
- ۷-** اطاعت، جواد، جامعه مدنی و کثرت‌گرایی سیاسی،
انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران،
تهران، ۱۳۷۶.
- ۸-** برخورداری، مهین، حقوق شهری، آموزش و
مشارکت مدنی در محله، ارائه شده در همایش علمی-
کاربردی توسعه محله‌ای؛ چشم انداز توسعه پایدار شهر
تهران.
- ۹-** پیران، پرویز، راهی جز افزایش مشارکت مردم
نداریم، شهر و ساختمان، سال اول، شماره دوم و سوم،
۱۳۸۲.
- ۱۰-** حاجی‌پور، خلیل، برنامه‌ریزی محله-مبنا رهیافتی
کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، هنرهای زیبا، شماره
۲۷، تابستان ۱۳۸۵.
- ۱۱-** مدنی پور، علی، طراحی فضای شهری، ترجمه
فرهاد مرتضایی، شهرداری تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۲-** گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی؛ ترجمه منوچهر
صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۳-** شکری، نادر، حقوق شهری، مجموعه مقالات
همایش «نظرارت همگانی، شهریوندی و توسعه سازمانی»،
شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸۶.
- ۱۴-** پاکزاد، جهانشاه، واحد همسایگی، صفحه، شماره
اول، تابستان ۶۹.